

مقدمه ابن خلدون

وفلسفه تاریخ (۱)

مقدمه ابن خلدون در قرن ۱۸ م فلسفه تاریخ خوانده میشد اما باید دانست که بحث در فلسفه تاریخ سابقه دارد و آن مباحث زیر عنوان سیاست مدن مطرح بوده زیرا سیاست طبعاً مربوط ببحث در طبایع ملل و دول و چگونگی تطور آنها است. ولی در نیمه دوم قرن نوزدهم، دیگر بر کتاب مقدمه، فلسفه تاریخ اطلاق نشد چون بحث از قوانین و علل (طبیعی - تاریخی - اجتماعی) دیگر از خصوصیات فلسفه تنها محسوب نمیشد بلکه مبنای تمام علومیکه بحث از حوادث میکنند قرار گرفت بنا بر این وقتیکه مورخان با سبب و علل وقایع تاریخ رسیدگی میکنند بکاری علمی پرداخته اند و دیگر مورد ندارد کار آنان را فلسفه بنامیم بلکه بیجاست آنرا علم تاریخ بخوانیم. در این هنگام مباحث اجتماعی در تاریخ از حدود علم تاریخ محض خارج گردید و عنوان علم الاجتماع یا جامعه شناسی بخود گرفت. (ر. ک. دراسات عن مقدمه ابن خلدون ص ۱۷۱)

مهمترین تألیفات در فلسفه تاریخ بعد از مقدمه

مهمترین تألیفاتی که پس از مقدمه ابن خلدون در فلسفه تاریخ نگارش یافته از این قرارند .

۱ - امیر (۱۵۲۰) تألیف ماکیاول ایتالیائی .

۱ - فلسفه تاریخ در جستجوی قانون برای امور اجتماعی است اصحاب فلسفه تاریخ معتقد بوجود قانونی واحد یا چند قانون برای امور اجتماعی و رشد بشریت می باشند .

- ۲ - جمهوریت (۱۵۵۷) تألیف جان بودن فرانسوی .
- ۳ - بحثهایی در تاریخ عمومی (۱۶۸۱) تألیف بوسوئه فرانسوی .
- ۴ - حکومت مدنی (۱۶۹۰) تألیف جان لاک انگلیسی .
- ۵ - علم جدید تألیف ویکو (Vico) ایتالیائی .
- ۶ - روح القوانین (۱۷۴۸) تألیف مونتسکیو فرانسوی .
- ۷ - خطابه‌هایی در سوربن (۱۷۵۰) تألیف تورگوفرانسوی .
- ۸ - طبایع ملل و فلسفه تاریخ (۱۷۵۶) تألیف ولتر فرانسوی .
- ۹ - تاریخ جامعه مدنی (۱۷۶۵) تألیف فرگوسن انگلیسی .
- ۱۰ - آرائی فلسفی در تاریخ بشریت (۱۷۷۲) تألیف هر دور Herdere آلمانی . (رک دراسات عن مقدمه ابن خلدون ص ۱۷۵).

ابن خلدون را اگر از نظر يك مورخ نگاه كنيم بسياری از مورخان براو رحجان دارند اما چنانچه اورا بعنوان فردی صاحب نظر در تاریخ به شمار آوريم وی در هر زمان و مکان بی نظير است نه افلاطون نه ارسطو و نه آگوستین و حتی نه ویکو باو مانند نتوانند بود.

او در تعمق و ابتکار و فراست بی مثال است.

ابن خلدون و جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی از جدیدترین علومى است که از نیمه دوم قرن ۱۹ تکون یافته. شرف تأسیس این علم از آن متفکر فرانسوی آگوست کنت است زیرا اولین کسی است که موفق شد جامعه شناسی را بر اساس علمى مثبت پایه نهد و سوسیولوژی Sociologie را برای این علم مصطلح سازد و آن را در طبقه بندی علوم در مرحله آخر قرار دهد [ریاضیات - علم الفلك - فیزیک - شیمی - زیست‌شناسی جامعه‌شناسی].

ارسطو یا دیگر دانشمندان پیشین نمی‌توانستند جامعه شناسی را بمعنی علمى امروز تصور کنند زیرا زیست شناسی در عصر آنان شکل علمى بخود

تکررته بود.

البته منظور این نیست که مباحث مربوط بوط باین علم در اعصار گذشته مورد بحث نبوده‌اند بلکه علم سیاست - اخلاق - اقتصاد - حقوق - آمار - فلسفه تاریخ - فاسفه حقوق از مدتها پیش مورد گفتگو بوده‌اند و موضوع تمام آنها بدور محور زندگی اجتماعی بشری میگردد.

ولی هر يك از علوم یاد شده نقص هائی داشت و روی داده‌ها و حوادث اجتماعی را بدون ارتباط با سایر اجتماعات مورد بحث قرار میداد مثلاً علماء اخلاق رفتار لازم را برای انسان مطمح بحث قرار میدادند بدون اینکه از سلوك و رفتار انسان بطور کلی گفتگو نمایند یا علماء اقتصاد درباره در آمد سخن می‌راندند و دیگر توجه با اجتماعیکه این در آمد را بدست می‌آورد یا آن را مصرف مینماید نداشتند.

اگر ابن خلدون را مؤسس جامعه‌شناسی بشمار آوریم، نه اگوست کنت، بسیار بجا خواهد بود زیرا ابن خلدون چهارصد و شصت سال پیش از اگوست کنت مباحث جامعه‌شناسی را مطرح نموده است و ما معتقدیم که مقدمه ابن خلدون دهلیز جامعه‌شناسی بشمار می‌آید بنا بر این مؤلفش را میتوان مؤسس این علم شمرد.

ابن خلدون حوادث را معلول علل و مربوط بهم دانسته و آنها را تصادفی نشموده و گفته است: اجتماع انسانی را باید موضوع علمی خاص «علم العمران» قرار داد:

العمران هو التساكن والتنازل في مصر او حلة للانس بالعشیر و اقتضاء الحاجات. (دراسات عن مقدمه ص ۲۳۶.)

عمران عبارتست از سکونت و استقرار در شهری یا محلی برای خو گرفتن بهمزیستی و رفع نیازمندی‌ها. باز ابن خلدون در جای دیگر از مقدمه می‌گوید: «بما ان العمران البشري والاجتماع الانساني حقيقة قائمة بنفسها وجبان يعتبر من خصائص علم خاص قائم بنفسه. (ص ۳۸ مقدمه ابن خلدون.)

۱ - جامعه‌شناسی را بجای علم الاجتماع برای اولین بار در ایران استاد دانشمند جناب آقای دکتر صدیقی مصطلح ساخته‌اند

چون عمران بشری (علم الاجتماع) و اجتماع انسانی حقیقتی است قائم بنفس
و مستقل الازم است از خصائص علمی مستقل شمرده شود.

و همچنین یاد آور شده بود: کتاب الاول فی العمران و ذکر ما یعرض فی
من العوارض الذاتیه من الملك و السلطان و الکسب و الصنایع و نحن الان تبین فی هذا
کتاب ما یعرض للبشر فی اجتماعهم من احوال العمران فی الملك و الکسب و
العلوم و الصنایع بوجوه برهانیه . (ص ۳۵ مقدمه ابن خلدون .)

کتاب اول در عمران و عوارض ذاتی آن از ملکداری و سلطنت و پیشه‌وری
و صنایع است و ما هم اکنون در این کتاب بطرفی استدلالی و برهانی از عوارض
اجتماعی بشر از قبیل ملکداری و پیشه‌وری و علوم و صنایع سخن می‌رانیم.
منظور از نقل عبارات مذکور اینست که ابن خلدون بعلمیت عمران بشری
(اجتماعیات) پی برده بود.

او انتقال از دوره بدوی را به دوره حضارت و تمدن چنین یاد میکند :
« ان طور الحضارة فی الملك یتبع طور البداوة ضرورة » (ص ۱۷۲
مقدمه ابن خلدون .)

دوره حضارت و تمدن برای اجتماعات بشری بدنبال دوره ابتدائی و بداوت
حاصل میشود تا جائیکه میگوید : «الهرم اذا نزل بالدولة لا یرتفع ... و اذا کان الهرم
طبیعیاً فی الدولته کان حدوثه بمثابة حدوث الامور الطبیعه کما یحدث الهرم فی
المزاج الحيوانی و الهرم من الامراض المزمنة التي لا یمكن دوائها و لا ارتفاعها
لما انه طبیعی و الامور الطبیعه لا تتبدل (ص ۲۹۴ مقدمه ابن خلدون).

پیری هر گاه بدولت رو آورد دیگر بر طرف نمیشود چون حدوث
پیری و هرم در دولتها امری است طبیعی بمثابة بروز امور و عوارض طبیعی در مزاج
جانداران و هرم و پیری از امراض مزمنی است که درمان پذیر نیست زیرا
امر است طبیعی و امور طبیعی بطور حتم تحقق مییابد.